

تأملی بر بیانیه ی «هشدار به ایرانیان»



دکتر منصور بیات زاده

شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۷ - ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۸

Dr.bayatzadeh@ois-iran.com

تعدادی از فعالین فرهنگی، سیاسی در ایران، در رابطه با جنگ گرجستان طی بیانیه ای تحت عنوان «هشدار به ایرانیان» (۱)، موضعی علیه روسیه همچون موضع پرزیدنت بوش و خانم کاندولیزا رایس اتخاذ کرده اند، بدون اینکه این هموطنان محترم باین واقعیت نیز توجه کرده باشند که این ارتش گرجستان بود که ، آتش جنگ را در آن منطقه برافروخت. اگر چنین نیست که بنا بر فرمان رئیس جمهور گرجستان ، فردی که از طرفداران پروپاقرص سیاست جنگ طلبانه پرزیدنت بوش هست و «تازش» به اوستیای جنوبی را شروع نکرده است ، چرا و بچه دلیل ، ۲۷ دولت عضو اتحادیه اروپا، پس از بحث طولانی که با یکدیگر داشتند ، در بیانیه خود ، از «عکس العمل نامتناسب روسیه» («عکس العمل» در مقابله با حمله دولت گرجستان) صحبت نمودند ، و فقط در رابطه با « نامتناسب » بودن آن «عکس العمل» ، دولت روسیه را محکوم کردند و در آن بیانیه ، از «تازش روسیه» صحبتی بمیان نیاوردند؟! بسیاری از شخصیتها و صاحب نظران سیاسی و مطبوعاتی همچون گرهارد شرودر، میخائیل گورباچف، ادوارد شواردناده، میشل شاسادو و سکی ... براین نظرند که آقای میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان در گسترش بحران و آغاز درگیری های اخیر در قفقاز مقصر بوده است. (۲)

در بیانیه ی «هشدار به ایرانیان» ، همچنین به رئوس بعضی از مسائل سیاسی از جمله «پرونده هسته ای» ، «جزیره های سه گانه ایرانی در خلیج فارس» ، «پیمان های سه جانبه و دوجانبه کشورهای حاشیه دریای مازنداران» ، «خطر حمله نظامی به تأسیسات اتمی و نظامی ایران» اشاره رفته و مشکلات مربوط به آن مسائل را ، « دستاوردهای سیاستهای غلط و نابخردانه» سردمداران حکومت جمهوری اسلامی که « به زیان ملت ایران بوده و حتا امکان رساندن آسیب های فراوان دیگری از جمله از هم پاشیدگی میهن ما را در بر دارد. » ارزیابی نموده اند، بدون اینکه در رابطه با آن مسائل، همچنین به سیاستهای استعماری و هژمونی طلبانه دولتهای استعمارگر جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا و متحدینش، همان دولتهایی که نقش بزرگی در سرنگونی دولت ملی و قانونی

مصدق داشتند و حتی برخی از آن دولت ها ، حاضر نشدند تا واقعیت سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را بپذیرند ، کوچکترین مطلب و موضعی بیان نشده است!

روشن نیست چرا و بچه دلیل در بیانیه ای که بنام «[هشدار به ایرانیان](#)» منتشر شده است، همچنین به سیاستهای شیخ نشینان کناره های جنوبی خلیج فارس که همچون صدام حسین ، بر طبل ناسیونالیسم کور عرب می کوبند و حتی با کمک پترو دلار سعی دارند تا در نقشه های جغرافیائی و حتی گوگل ، نام «[خلیج فارس](#)» را به «[خلیج عربی](#)» تغییر دهند و مدعی مالکیت «[جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس](#)» هستند و یا کشورهای حاشیه دریای مازنداران که ، سهم بیشتری از دریای مازندران را طلب می کنند و در آن رابطه کارزار سیاسی بپا کرده اند، و یا سیاست های دولت اشغالگر اسرائیل که زرادخانه های آن کشور، بمب اتمی و کلاهک های اتمی در اختیار دارند و بجای برسمیت شناختن قطعنامه های شورای امنیت و در آن رابطه تخلیه سرزمینهای اشغالی فلسطین، سرزمین و مردم ایران را تهدید به نابودی می کند، کوچکترین اشاره ای نرفته است؟!!

مگرناسیونالیسم کور عربی در دوران رژیم شاه، همان رژیمی که امپریالیستها او را بعنوان ژاندارم منطقه ارتقاء مقام داده بودند تا از منافع استعماری آنها در آن دیار دفاع نماید، همچون امروز نسبت به تمامیت ارضی ایران چشم طمع نداشتند؟!!

بنظر من سوسیالیست مصدقی، بهیچوجه نباید بخاطر احترام به امضاء کنندگان بیانیه «[هشدار به ایرانیان](#)» ، از کنار کمبودها و نقائص آن بیانیه و بی توجهی هائی که به ارزشهای دموکراتیک شده است، گذشت و در اینباره سکوت اختیار کرد و با سکوت خود کمک نمود تا برآن خطای بزرگ سرپوش گذاشته شود!

متأسفانه اشکالی که به محتوی آن بیانیه وارد است ، فقط به کمبودهائی که اشاره رفت خلاصه نمی شود، بلکه اشکال بسیار مهم دیگر آن بیانیه ، طرح «[دیدگاه](#)» انحرافی و خطرناکی است که بعنوان معیار «[معادلات سیاسی](#)» و «[دید راهبردی](#)» ، به ایرانیان توصیه شده است!!!

آری ، «[دیدگاه](#)» بسیار خطرناکی که ، بصرف مخالفت با سیاست و عملکرد حاکمین تمامیت خواه و سرکوبگر جمهوری اسلامی، نباید آنرا بهیچوجه مورد تأیید قرار داد و بعنوان افراد و نیروهای آزادیخواه، دموکرات و ملیگرای وطن دوست (پاتریوت) ، بمخالفت و روشنگری در آن باره ، دست نزد!!!

نویسندگان نوشته «[هشدار به ایرانیان](#)» ، بر این نظرند که :
«[حوزه تمدن و فرهنگ ایرانی](#)، که یک واقعیت تاریخی و فرهنگی می باشد، بایستی در [دید راهبردی](#) ما در منطقه قرار داشته باشد. ما باید همه ی مردم و کشورهای واقع در این حوزه فرهنگی را دوستان استراتژیک خود بشماریم و در [معادلات سیاسی](#) این [دیدگاه](#) را بگجانیم.».

این هموطنان برپایه این «[دیدگاه](#)» ، که درتحلیل نهائی ، نمی تواند چیزی جز [دیدگاه](#) «[ناسیونالیستی](#)» ، آنهم نه بر پایه پاتریوتیسم که بنظر ما مسئله ای مثبت است ، بلکه از موضع [نژادپرستانه](#)» باشد، مدعی شده اند که :

«[کردها](#) یکی از اجزای تفکیک ناپذیر این حوزه تمدنی می باشند و هر جا که باشند [ایرانی](#) به شمار می آیند و ما هرگز نباید بر علیه منافع آنان با دیگران متحد شویم.».

نویسندگان بیانیه «[هشدار به ایرانیان](#)» ، به «[سیاست دشمن تراشی قدرت بدستان](#)» حاکم بر ایران اعتراض کرده و چنان شیوه حکومتی را [پدرستی](#) محکوم نموده اند، اما متأسفانه خود به این واقعیت

تلخ توجه ننموده اند که «دید راهبردی» و چگونگی تعیین «معادلات سیاسی» بر پایه «حوزه تمدن و فرهنگ ایرانی»، که در مغایرت کامل با اصول منشور سازمان ملل متحد و تعریف جهانشمول ملت و کشور و ارزش های دموکراسی قرار دارد، چنین طرز تفکری با خود، «سیاست دشمن تراشی» بمراتب گسترده تری را از آنچه امروز در ایران رسم است، به همراه خواهد داشت.

ما نمی توانیم بخاطر علاقه ای که به «تمدن و فرهنگ ایرانی» داریم، تعریف «ملت ایران» و محدوده نقشه جغرافیائی ایران در مقطع کنونی را، با معیارهای دوران مادها، هخامنشیان، ساسانیان، صفویه و یا احتمالاً قاجاریه بسنجیم و به اصول منشور سازمان ملل و تعریف جهانشمول ملت و کشور و ضوابط و روابطی که آن منشور در نظر گرفته، توجه ننمائیم!

اگرچه این یک واقعیت تاریخی است، که قوم کرد، یکی از هفت قوم تشکیل دهنده «دولت مادها» بوده است، همچنین این هم یک واقعیت تاریخی است که ایران در دوران سلطنت شاه اسماعیل صفوی در جنگ با دولت عثمانی - دوران سلطنت سلطان سلیم - در سال ۱۵۱۴ میلادی (در مقایسه با سال ۲۰۰۸ میلادی، یعنی ۴۹۴ سال قبل) در منطقه چالداران شکست خورد و در نتیجه مناطق کردنشین شمال و غرب ایران از قلمروی جغرافیائی ایران خارج شدند و آن مناطق کردنشین و ترک نشین (ترکها که از بقایای سلجوقیان بودند) جزو خاک کشور عثمانی شدند.

پس از شکست دولت عثمانی در جنگ اول جهانی و تجزیه آن کشور به محدوده های تحت سیطره انگلیس و فرانسه و تأسیس کشور ترکیه برهبری مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، مناطق کرد نشین زیر سیطره کشور عثمانی در بین کشورهای مختلفی از جمله ترکیه، عراق، سوریه ... تقسیم شدند. در واقع آن کردها، طبق اصول منشور سازمان ملل، دارای ملیت ترکیه، ملیت عراق و یا ملیت سوریه ... هستند. اگرچه همگی آنها از لحاظ مردم شناسی (انتولوژی)، از اقوام ایرانی محسوب می شوند ولی بهیچوجه آنها ملیت ایرانی ندارند! تنها کردهای ساکن ایران، بخشی از ملت ایران هستند.

افراد و نیروهای سیاسی که مدعی اند باید به اصول منشور سازمان ملل متحد پایبند بود و در آن رابطه از حاکمیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع کرد، و به بی توجهی مقامات جمهوری اسلامی به آن روابط اعتراض دارند، حتماً باید قبول داشته باشند که «معادلات سیاسی» کردهای ترکیه، کردهای عراق، کردهای سوریه ... در چارچوب قوانین و نظام های حاکم بر کشورهای ترکیه، عراق و سوریه ... تنظیم و تدوین می شوند و ما ایرانیان بهیچوجه حق دخالت در امور سیاسی آن کشورها را نداریم.

طبق اصول منشور سازمان ملل متحد، «ملت ایران» شامل اقوام و در واقع تمام مردمی که در محدوده نقشه جغرافیائی ایران - مرزهای برسمیت شناخته شده از سوی سازمان ملل -، صرفنظر از وابستگی قومی و نژادی و مذهبی زندگی می کنند، می شود!

روشن است که ما می توانیم از حقوق دموکراتیک و خواست های دموکراتیک از جمله کردها در سایر کشورها، دفاع نمائیم. ولی تا زمانیکه ما خود حاضر نشویم در چارچوب مرزهای کشور ایران به خواست های دموکراتیک کردهای ایرانی، که بیشتر خواست های آنها، خواست فرهنگی می باشد، پاسخ مثبت دهیم، شوخی خواهد بود خود را مدافع خواست های فرهنگی تمام کردها قلمداد کنیم!! اگر بنابا شد از «حوزه تمدن و فرهنگ ایرانی»، آنها در رابطه با مسائل فرهنگی و نه سیاسی صحبت شود، بنظر من کشور افغانستان، بخشی از آن «حوزه فرهنگی و تمدن ایرانی»، است. ولی برای من روشن نیست که چرا و بچه دلیل «گرجستان» نیز جزو این «حوزه» بحساب آورده شده است؟

باین امید که هموطنان امضاء کننده بیانیه «[هشدار به ایرانیان](#)»، به کمبودها و نقائص بیانیه خود پی برند و در جهت اصلاح مواضع غلط و انحرافی آن، بخصوص مواضعی که در افکار عمومی از آن برداشتی «ناسیونالیستی»، آنهم نه بر پایه برداشتی میهن دوستانه (پاتریوتیستی)، بلکه برداشتی «نژادپرستانه» می شود، اقدام کنند.

پانویس:

۱ - هشدار به ایرانیان

به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران.

www.ois-iran.com/ois-iran-3860-bayaniyahe-hoshdar-be-iraniyan.htm

۲ - مجموعه ای از مقالات در رابطه با حمله گرجستان به منطقه اوستیای جنوبی و عکس العمل روسیه.

به نقل از سایت سازمان سوسیالیست های ایران.

www.ois-iran.com/ois-iran-3852-majmouahe-gorjistan.htm